بسم الله الرحمن الرحیم

تخالف الحجج

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و چهل و پنجم\_ 20 دی 1400

[تکمله‌؛ بررسی بُعد روایی این دو امام عظیم الشأن در سائر کتب]

فرمایش حضرت آقای سیستانی را در مورد کیفیت تدوین حدیث در عصر باقرین علیهما السلام توسط شاگردان این دو امام بزرگوار بیان کردیم، این‌جا هم فرمایش این بزرگوار محتاج است به تکمیل و تتمه.

ابتدا نکاتی را از عامه در مورد وجود مقدس باقر العلوم، صلوات الله و سلامه علیه عرض می کنم و بعد هم در مورد امام صادق علیه السلام. چون تأکید این بود که در دور سوم حدیث شیعه مدیون این دو امام بزرگوار است. قصد بیان تاریخ این دو امام قطعا نیست، نگاه من از بُعد روایت و جایگاه روایی این دو امام عظیم الشأن است.

[کلام ذهبی در شرح حال امام باقر سلام الله علیه]

عبارت اولی که انتخاب کردم در مورد باقر العلوم سلام الله علیه، کلام ذهبی[[1]](#footnote-1) در کتاب سیر اعلام النبلاء است. وی پس از آن‌که زندگی و خصوصیات سید الساجدین سلام الله علیه را بیان می‌کند، می گوید:

**ابنه ابوجعفر، الباقر، هو السید الامام، ابوجعفر، محمد بن علی بن الحسین ابن علی العلوی، الفاطمی، المدنی، ولد زین العابدین.**

ادامه می دهد که ایشان **روی عن جدیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم و علی رضی الله عنه مرسلا.**

یعنی امام باقر علیه السلام از دو جدش پیامبر و امیر المؤمنین مرسلا[[2]](#footnote-2) نقل می‌کند.

**و عن جدیه الحسن و الحسین مرسلا أیضا**. از دو جدش امام حسن و امام حسین نیز مرسلا نقل می کند.

از امام باقر به بعد می توانید، ائمۀ هدی را هم یا ابن الحسن بنامید، هم یا ابن الحسین، چنان که در زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها می گوییم **اَلسَّلامُ عَلَیْک یابِنْتَ الْحَسَن ِ وَ الْحُسَیْن** ، به جهت مادری، می شوند حسنی، به جهت پدری می شوند، حسینی.

بعد می گوید از ابن عباس، ام سلمه و عایشه هم نقل کرده، مرسلاً و نیز از ابن عمر[[3]](#footnote-3) و جابر[[4]](#footnote-4) و ابی سعید و عبد الله بن جعفر و تعدادی دیگر، از جمله پدر بزرگوارش زین العابدین، علیه السلام، از این ها روایت نقل می کند.

**و لیس هو بالمُکثِر** ذهبی می گوید امام باقر زیاد روایت‌گری نکرده مثل روات دیگر،

**هو فی الروایة کأبیه و إبنه جعفر**. امام باقر و پدرش و فرزندش، هر سه احادیث زیادی ندارند، به اصطلاح رجالی مکثر نیستند،

**ثلاثتهم، لا یبلغ حدیث کل واحد منکم جزءً ضَخما**، حدیث هر یک از سه، کتاب به اصلاحی ضخیمی نخواهد شد،

**و لکن لهم مسائلُ و فتاوٍ**. بحث مسأله پاسخ دادن و فتوا دادن جداست، بحث روایت‌گری از دیگران است.

ادامه می دهد: **و کان أحد من جمع بین العلم و العمل و السؤدُد و الشرف**

او هم عالم بود، هم اهل عمل بود، هم سیادت و انتساب به نبی خاتم داشت

بعد می گوید او اهل خلافت بود، سزاوار خلافت بود و او یکی از ائمۀ دوازده‌گانه شیعه است که شیعه او را معصوم می داند و عالم به جمیع دین، در حالی که **فلا عصمة الا للملائکة و النبیین**، **و کل أحد یصیب و یخطا و یأخذ من قوله و یترک سوی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فانه معصوم مؤیدٌ بالوحی.**

آن‌گاه شروع می کند به بعضی از شئون دیگر حضرت باقر علیه السلام اشاره کردن و روایاتی از ایشان بیان می کند.

می گوید: **و لقد کان ابو جعفر اماما مجتهدا تالیا لکتاب الله کبیر الشأن و لکن لا یبلغ فی القرآن درجة ابن کثیر و نحوه و لا فی الفقه، درجة ابی الزناد و ربیعة و لا فی الحفظ و معرفة السنن درجة قتادة و ابن شهاب** اما ما بغض او را، دشمنی او را هرگز در دل نداریم، بلکه **نحبه فی الله لما تجمع فیه من صفات الکمال.**

از جمله روایاتی که ذهبی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، روایاتی است که در مورد فضائل ابوبکر و عمر هست، و لزوم تولی آن‌ها و برائت از دشمنان این دو خلیفه(ل) که شما خود تکلیف این گونه روایات را میدانید چیست، اکثرا ساخته و پرداخته است، اگر هم صادر شده باشد، تقیه ایی است.[[5]](#footnote-5)

این اشاره ایی به کلام ذهبی.

[کلام اسد حیدر[[6]](#footnote-6) در شرح حال امام باقر سلام الله علیه]

عبارت دومی که انتخاب کردم برای تان، از کتاب بسیار خوبی به نام **الامام الصادق و المذاهب الاربعة**، است. ایشان بحثی دارد تحت عنوان **مدرسة الامام الباقر علیه السلام**، این کتاب در مورد امام صادق است، اما به مناسبت یک نکته ایی را در مورد مکتب و مدرسة فکری وجود مقدس امام باقر علیه السلام بیان می کند. می گوید سؤالی برای ما پیش می آید با این همه کوششی که بنی امیه داشتند چه با تهدید، چه با توعید، که مردم از اطراف اهل بیت کنار بروند، حقد و کینه و خصومت داشتند، و حتی اجازه نمی‌دادند که یک شخص از اهل بیت تمجید کند، به دنبال منحرف کردن مردم، از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بودند، اما در عین حال موقعیت و عظمت مقام اهل بیت حفظ شد و این نیست مگر عنایت الهیه. آن‌ها علومی داشتند که مردم به آن علوم نیاز داشتند و این علوم توسط آن‌ها به مردم داده می‌شد

**و قد نشأ الامام الباقر سلام الله علیه، فی عصر قوة الدولة و امتداد سلطانها و شدة نفوذها و مع ذلک، فقد قام بما یجب علیه، من الدعوة لله و نشر تعالیم الاسلام، و القاء دروس الاخلاق و العلوم الدینیة و الحث علی التمسک بالدین و الابتعاد عن الظلمة الذین اتخذوا مال الله دولا، فازدحم العلماء علی ابواب مدرسته، و انتشروا فی اقطار المملکة الاسلامیة یحملون للناس، اصدق الحدیث، و اظهروا الحقائق التی حاول الامویون اخفائها، بأبراد التمویة والخداع.**

آنها می خواستند با انواع خدعه ها و نیرنگ ها جلوی امام را بگیرند اما امام با این شاگردان حرف خود را رساند،

بعد شروع می کند به این که مدینه و بزرگان مدینه منزلت امام باقر را پاس می داشتند، **و کان هو وحید عصره، فی ارشاد الناس و تحذیرهم من الزیغ و الضلال.[[7]](#footnote-7)**

این هم بخشی از عبارات این نویسنده بزرگوار شیعی در مورد وجود مقدس امام باقر که کلام متینی بود.

فکر کنم به همین اندازه کافی است، آدرس هایی را که داده شد مراجعه کنید.

[کلام ذهبی در شرح حال امام صادق سلام الله علیه]

اما عبارت سوم، در مورد وجود مقدس امام صادق صلوات الله و سلامه علیه است.

**جعفر بن محمد بن علی بن الشهید ابی عبد الله ریحانة النبی و سبطه و محبوبه الحسین ابن امیر امؤمنین ابی الحسن علی بن أبی طالب**

تا می رسد به این جا **الامام الصادق شیخ بنی هاشم ابو عبد الله القرشی الهاشمی العلوی النبوی، المدنی احد الاعلام.**

همان ابتدا می گوید مادر ایشان هم ام فروة بنت القاسم بن محمد بن أبی بکر التیمی است، که مادر این ام فروة اسماء بنت عبد الرحمن بن أبی بکر است فلهذا کان یقول **ولدنی ابوبکر الصدیق مرتین**، من دو انتساب به ابوبکر دارم و ایشان **یغضب من الرافضه**، اگر متعرض جدش ابوبکر می شدند، **لکن الرافضه، قوم جهلة قد هوی بهم الهوی فی الهاویة فبعدا لهم**

شروع می کند به این که ایشان از چه کسانی نقل حدیث می کند، از پدر بزرگوارش، از عبید الله بن أبی رافع، از **عروة بن الزبیر و عطاء بن ابی الرباح و روایته عنه فی المسلم**، در صحیح مسلم روایت ایشان از ابی الرباح آمده است و نیز از جدش قاسم بن محمد بن أبی بکر، نام که می‌برد باز هم می گوید **لیس هو بالمکثر الا عن أبیه و کانا، من جلة علماء المدینة.[[8]](#footnote-8)**

بعد کسانی را از امام صادق علیه السلام نقل حدیث دارند، اسم می برد از جمله ابوحنیفه و مالک و دیگران من العامة و نام میبرد از جناب ابان بن تغلب که ما در مورد او ان شاء الله در جلسۀ آینده نکاتی داریم.

در ادامه یک نکته دارد که به درد بحث ما می خورد:

**قال ابو احمد بن عدی: له حدیث کثیر عن أبیه عن جابر، و عن آبائه، و نسخٌ لاهل البیت و قد حدّث عنه الائمة**.[[9]](#footnote-9) امام صادق در دستش نسخه هایی بود، از اهل بیت، که از آن‌ها برای مردم، نقل حدیث می‌کرد، و ائمه دیگر هم این گونه بودند، این نسخ، همان چیزی است که ما قبلا داشتیم، دیروز هم اشاره کردم و آن کتاب‌هایی است که به املاء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خط امیر المؤمنین سلام الله علیه نوشته شده است.

ادامه دارد حرف های ایشان، روایاتی را هم از امام صادق نقل می کند که برخی از این روایات نشان از تقیه دارد البته اگر از امام صادر شده باشد، از جمله همان مطالبی که در مورد خلیفه اول و دوم است و از جمله این روایت که به بحث فقهمان ارتباط دارد:

از امام صادق می پرسد، **ان قوما یزعمون أن من طلق ثلاثا بجهالة ردّ الی السنة تجعلونها واحدة،** سه طلاق یک طلاق حساب می‌شود، **یروونها عنکم، قال معاذ الله ما هذا من قولنا، من طلق ثلاثا، فهو کما قال.** [[10]](#footnote-10)

این بحثش گذشت و اشارتی در قاعدل الالزام به این مساله داشتیم

این هم خلاصه ایی از آنچه ذهبی در مورد امام صادق سلام الله علیه دارد.

حال در مورد شاگردان امام صادق بحث بسیار مفصل می شود اما لازم است یکی دو نفر از شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام را تاکید کنم در برخی از نکات، یکی جناب ابان بن تغلب است، یکی محمد بن مسلم. من در اینجا دنبال شاگردان در مثل کلام یا علوم دیگر نیستم، ما نظر داریم به بحث نقل حدیث، چون داریم تاریخ تدوین حدیث را بررسی می کنیم. ان شاء الله جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، متوفای 748. [↑](#footnote-ref-1)
2. مراد از مرسل، همان مرسل در علم درایة است. [↑](#footnote-ref-2)
3. عبد الله بن عمر. [↑](#footnote-ref-3)
4. جابر بن عبدالله انصاری [↑](#footnote-ref-4)
5. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج 4، ص 401 تا 404، رقم 158. [↑](#footnote-ref-5)
6. اسد بن محمد بن عيسى بن محمد علی آل حیدر نجفی (1327-1405ق)، دانشمند، مورخ، ادیب، پژوهشگر عراقی [↑](#footnote-ref-6)
7. ر.ک: الامام الصادق و المذاهب الاربعة،[ط: مکتبة الصدر] ج 1، ص 451 و 452 [↑](#footnote-ref-7)
8. سیر اعلام النبلاء، ج 6، ص 255، رقم 117. [↑](#footnote-ref-8)
9. همان، ص 257. [↑](#footnote-ref-9)
10. همان، ص 290. [↑](#footnote-ref-10)